

یادداشت

بعد از بن بست، شورش و انقلاب می آیند!

صادق کار



اعتراضات و اعتصابات کارگری همچنان در حال گسترش هستند. دلیل عمده گسترش اعتصابات عدم پاسخگویی کارفرمایان و دولتمردان به مطالبات کارگران است. مطالباتی که از کمی دستمزد و پرداخت نکردن منظم و به موقع آنها تا نداشتن امنیت شغلی، بیکاری، محرومیت از قانون کار و حقوق سندیکایی را در بر می گیرد و زیر پا گذاشته شدن شان کارگران را به فقر و گرسنگی کشانده است.

نمونه در این خصوص کم نیستند، ده ها مورد را که تنها در یکی دوماه اخیر رخ داده اند می توان برشمرد. اعتصاب در هپکو، آذرب، هفت تپه، حفاری شمال، فاز ۲ پالایشگاه آبادان، فولادین آمل... تازه ترین نمونه های اعتراضاتی هستند که به خاطر جواب نگرفتن بیشترشان همچنان ادامه دارند. اکنون به واقع با یک بن بست در مناسبات کارگر و کارفرما مواجه ایم. که اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشود لاجرم به سوی شورش و انقلاب سمتگیری می کند.

اعتراضات البته محدود به کارگران نیست، معلمان، پرستاران، رانندگان، بازنشستگان و دیگر گروه های مزد بگیر نیز در وضعیت مشابهی قرار دارند و اعتراض در میان آنها گسترده است. اعتراضات آنان نیز مانند کارگران با دولت و کارفرمایان در بن بست قرار دارد.

تازه ترین نمونه آن که دولت بجای مذاکره و رسیدگی به خواسته های معترضین ماموران سرکوب را به مصادف شان فرستاد، تجمع ۱۹ آبان بازنشستگان عضو صندوق های بازنشستگی مختلف از سراسر کشور بود که قرار بود در مقابل مجلس تجمع داشته باشند. قبل از آن نیز بازنشستگان چندین مرتبه مبادرت به تظاهرات و تجمع های اعتراضی کرده بودند، ولی پاسخی از دولت نگرفته بودند.

دولت و کارفرمایان بجای رسیدگی به خواسته های کارگران و مزدبگیران، تلاش می کنند، با اخراج، بازداشت و سرکوب و تهدید اعتصابیون و معترضین آنها را از اعتصاب و اعتراض کردن مایوس کنند و خواسته هایشان را بی پاسخ بگذارند. اخیرا نیز با اعمال سانسور خبری سعی دارند از رسیدن صدای این اعتراضات به گوش مردم جلوگیری کنند که مبادا موجب برافروخته شدن خشم مردم و حمایت و همبستگی مردم از معترضین شود. از رسانه های داخلی خواسته شده که گزارشی در مورد اعتراضات منتشر نکنند. حتا خبرگزار "ایلنا" نیز که بعضی از اخبار اعتراضات را منتشر میکند، اخیرا به ندرت از کلمه اعتصاب و اعتراض استفاده می کند و بجای آن از کلماتی چون "انتقاد، گله و میگویند..." بهره می گیرد. به این هم بسنده نشده، در همین هفته سندیکای شرکت واحد، خبر از گرفتن تعهد اجباری از رانندگان داد. طبق این تعهد نامه که توسط حراست تهیه شده، رانندگان حق ندارند بدون اجازه حراست با رسانه ها صحبت کنند. منظور ظاهرا رسانه های خارج کشور است، ولی در واقع تعهد رسانه های داخلی را هم شامل می شود. دامنه این تعهد گرفتن ها به احتمال زیاد به میان سایر کارگران امتداد پیدا خواهد کرد.

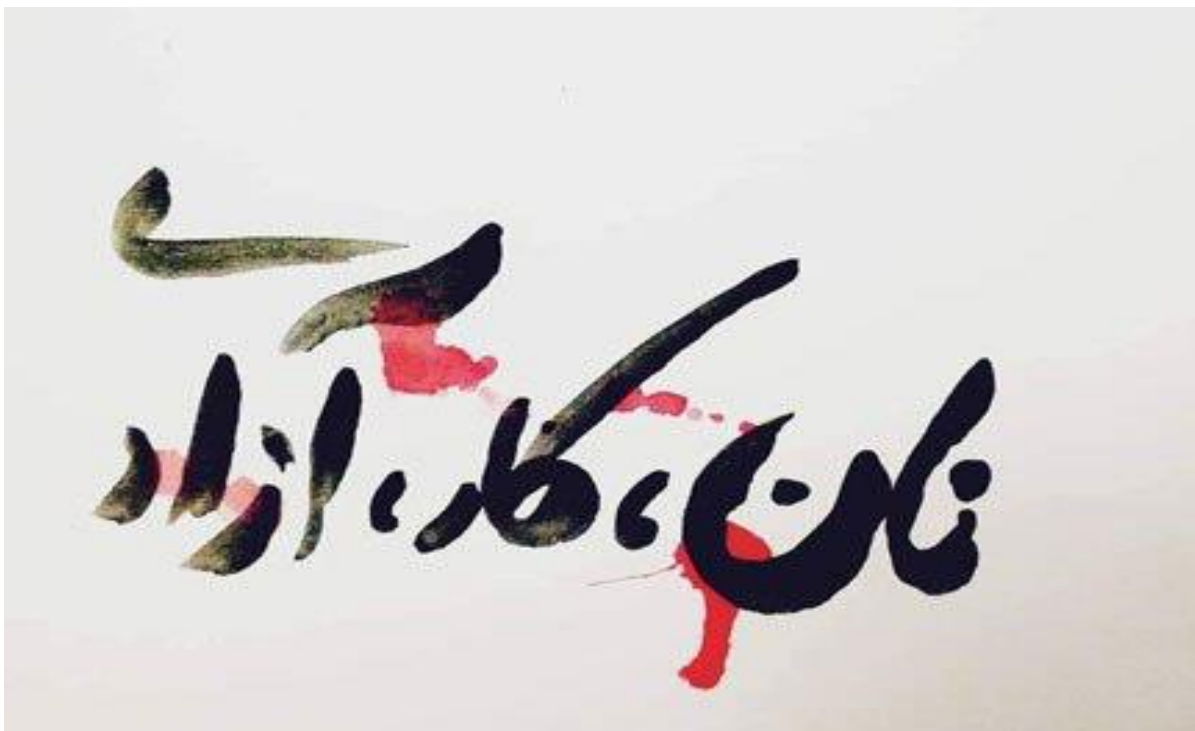


این اقدامات نشان می دهد که خود دولتمردان نیز می دانند که در بن بست قرار دارند. از گسترش اعتراضات نگران اند، اما نمی توانند جلوی آنرا بگیرند. آنها نگران بازتاب اخبار این اعتراضات در میان بقیه کارگران و سایر گروه های اجتماعی ناراضی هستند. به همین جهت با سانسور می خواهند مانع بازتاب اخبار اعتراضات و سرکوب آنها شوند.

روز گذشته خبرگزاری "ایلنا" در گزارش کوتاهی خبر از تجمع کارگران اعتصابی هفت تپه در محل بازار شهر شوش داد. علت این عمل را یکی از کارگران بی توجهی کارفرما و مسئولین به خواسته های کارگران خواند. کارگر دیگری با اشاره به بی پاسخ ماندن اعتصاب ۳۳ روزه گذشته، گفت: "در صورتی که به درخواست های به حق ما پاسخ مثبت داده نشود، اعتراضات ادامه خواهد داشت". این آشکارترین نمونه بن بست است. کارگران هفت تپه رکوددار اعتصابات کارگری در سالهای اخیر هستند، با این وصف هنوز خواسته هایشان پاسخ درخور نگرفته اند، اما آنها می خواهند به اعتصاب شان ادامه دهند.

بازنشستگان که تجمع شان مقابل مجلس مورد هجوم نیروهای سرکوب قرار گرفت نیز گفتند: تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینیم، تا زمانی که زیر خط فقریم، مطالبه گر خواهیم ماند. و اینها تنها نیستند، حرف همه آنهاپی که اعتراض و اعتصاب می کنند همین است. زحمتکشان نمی توانند از خواسته هایشان کوتاه بیایند چون جایی برای کوتاه آمدن باقی نمانده و در مرز گرسنگی هستند. فقط ابلهان هستند که تصور می کنند با سرکوب و سانسور و امتناع می توانند انسانهای گرسنه را وادار به تسلیم کنند. سر هیچ کس برای شورش و انقلاب درد نمی کند، همه می خواهند از راه های مسالمت آمیز و به دور از خشونت به حق و حقوق طبیعی شان برسند و در صلح و آرامش زندگی و کار کنند. اما زمانی که کار به بن بست می کشد و مقصر حاضر به عقب نشینی نمی شود به ناگزیر کار به شورش و انقلاب می کشد. بن بست میان حکومت و کارگران یا باید با عقب نشینی حکومت و کارفرمایان بشکند و یا با شورش و انقلاب!

مسبب وضعیت اسفبار کنونی کشور مردم معترض و به تنگ آمده نیستند، حکومت است که نه می تواند کشور را به درستی اداره کند و نه حاضر به سپردن مسالمت آمیز قدرت به مردم است. با این همه یک حکومت نالایق و ستمگر با هیچ وسیله ای برای مدت طولانی نمی تواند با زور و سانسور دوام بیاورد. همانطور که کشتار صدها تن از مردم عراق نتوانسته و نمی تواند مانع ادامه جنبش آنها شود.



**همه با هم علیه سرکوب فعالین کارگری و حقوق سندیکایی کارگران
مبارزه کنیم!**



استراتژیهای اتحادیه های کارگری معطوف به کار نامتعارف - بخش ششم

اما سروینو

مرکز اسپانیایی مطالعات تخصصی در علوم اجتماعی



عواقب گسترش کار نامتعارف بر ظرفیت اتحادیه ها برای نمایندگی کارگران: یک بازنگری انتقادی

• عوامل نهادی و ساختار سازمانی اتحادیه ها

در امر تحلیل اثرات مشاغل نامتعارف بر ظرفیت اتحادیه های کارگری برای نمایندگی، به ندرت این دو متغیر در نظر گرفته می شوند. این در حالی است که حتی اگر دامنه و تحول مشاغل نامتعارف در کشورهای مختلف اتحادیه اروپا یکسان هم می بود، بازهم اثرات آنها بر اتحادیه ها به علت نقش عوامل نهادی و سازمانی متفاوت می بود.

اولاً شاخصی که معمولاً برای تحلیل سطح نمایندگی اتحادیه ها از آن استفاده می شود، "غلظت عضویت" (نسبت بین تعداد اعضای اتحادیه به تعداد کارگران در یک کارخانه، رشته، بخش، ...) است. با این حال این همیشه بهترین شاخص نیست. قدرت اتحادیه ها در کشورهای مثل اسپانیا و فرانسه، اساساً از انتخابات درون اتحادیه ناشی می شود. بنابراین برای آن که اثرات واقعی صاحبان مشاغل نامتعارف را در این کشورها بر توان نمایندگی اتحادیه ها درک کنیم، لازم است که نه فقط درجه تعلق (عضویت) آنان را بلکه تمام وجوه منتج از این عضویت، و مشخصاً میزان مشارکت آنان در انتخابات اتحادیه را نیز در نظر داشته باشیم.

ثانیاً معنای حمایت از یک اتحادیه در کشورهای مختلف متفاوت است. مثلاً در مقایسه با دیگر کشورها، عضویت اتحادیه ای در فرانسه و ایتالیا، متضمن سطح بالاتری از کنشگری و مبارزه جویی نیز هست. به احتمال قوی طریقی که در این کشورها توان نمایندگی اتحادیه ها تحت تأثیر درآمد کارگران مشاغل نامتعارف قرار می گیرد، طریقی متفاوت از دیگر کشورها خواهد بود. بنابراین یک تحلیل مقایسه ای از این موضوع باید معانی مختلفی را نیز که انواع متفاوت حمایت از اتحادیه ها در هر کشور به خود می پذیرد، در نظر گیرد.

ظرفیت نمایندگی اتحادیه ها همچنین به قوت وابسته به ساختار سازمانی اتحادیه است. آن اتحادیه هایی که نقش مهمی را در هر دو سطح ملی و محلی (شرکتی) ایفا می کنند، در موقعیت گاه به مراتب بهتری برای جلب حمایت کارگران قرار دارند. برعکس، در جاهایی که قدرت اتحادیه ها اساساً در یک مرکز یا در سطح محلی متمرکز شده است، حمایت کارگران با دشواری قابل توجهی کسب می شود. بنابراین اثرات درآمد کارگران مشاغل نامتعارف همچنین به ساختار سازمانی اتحادیه های کارگری در هر کشور نیز بستگی دارد.

• کنش استراتژیک

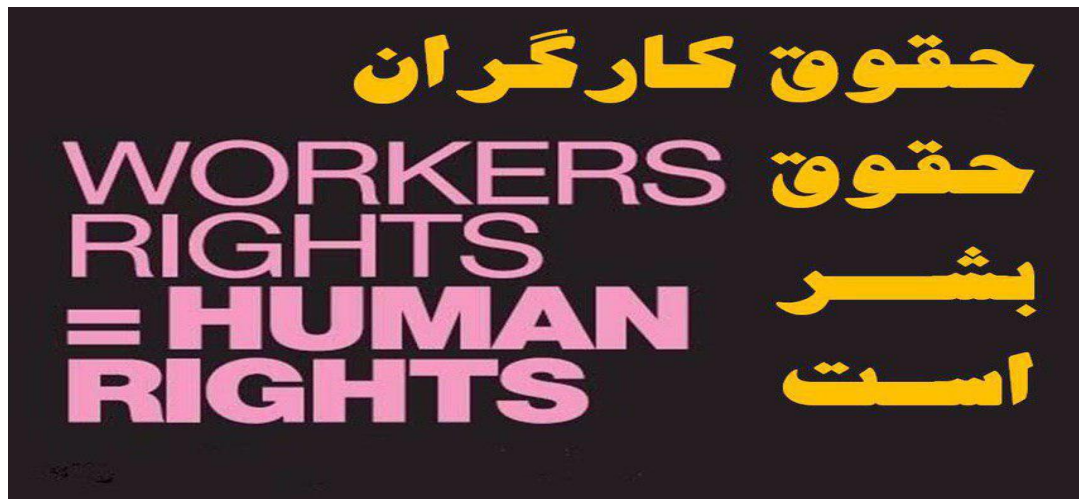
تحقیقاتی که بر بحران نمایندگی در اتحادیه های کارگری تأکید دارند، در اغلب موارد بسیار قطعیت گرا (دترمینیستی) اند. اما برخی دیگر از تحقیقات بر آن اند که اتحادیه ها هنوز فضای مانور بسیاری دارند. چنان که لیسینک (Leisink) می نویسد: "محدودینهای حاکم بر عمل اتحادیه ها هر چه باشد، همیشه برخی چشم اندازها برای کنش استراتژیک باقی می ماند. کنش اتحادیه ای می تواند در بسیاری از مواقع پاسخی به فشارهای بیرونی باشد، درعین حال که این پاسخ می تواند موجب نوسازی



نیز بشود؛ از جمله در اهدافی که اتحادیه پیش روی خود گذاشته است یا روشهایی که برای نیل به آن اهداف پیشه کرده است."

بنابراین از نظر این گروه محققان ظرفیت اتحادیه ها برای آن که کارگرانی را در بیرون از قلمرو پشتیبانی سنتی شان نمایندگی کنند، بستگی تامی به قابلیت های آنها برای تدوین استراتژی های نو دارد. تحقیقات چندی نشان داده اند که این نکته واقعی و ممکن است. همانا در برخی از موارد اتحادیه ها قادر شده اند حمایت کارگران یقه سفید، کارگران زن، کارگران پاره وقت و موقت را با تأمین خدمات مورد مطالبه این گروه های متفاوت از کارگران، جلب کنند. به عبارت دیگر این نکته مؤید آن است که "استراتژی می تواند موجب تمایز باشد".

هدف از این بخش از نوشته حاضر روشنی بخشیدن به بعضی از مسائل یافته شده در تحقیقات انجام یافته پیرامون اثرات برآمد کار نامتعارف بر ظرفیت نمایندگی کارگران توسط اتحادیه های کارگری بود. به نظر نگارنده، بسیاری از این تحقیقات توجه لازم و کافی را به متغیرهای برشمرد - شاخصهای ویژه کار نامتعارف، بافتار نهادی اتحادیه ها، ساختار سازمانی آنها و کنش استراتژیک اتحادیه های کارگری - نشان نداده اند.



کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



کشاورزی در محاق بی‌تدبیری دولت

مراد رضایی



سال گذشته، کشاورزان قهدریجان اصفهان، از جدی‌ترین و پیگیرترین گروه‌های اجتماعی معترض به وضعیت موجود بودند. تجمعات اعتراضی این کشاورزان در شهرهای نزدیک و حضور اعتراضی آن‌ها در نماز جمعه از خیرسازترین اعتراضات معیشتی سال گذشته بود.

اما اعتراضات در حوزه‌ی کشاورزی در سال‌های گذشته، به «قهدریجان» محدود نمی‌شد. در چهار گوشه‌ی ایران کشاورزان به دلیل بی‌آبی، خصوصی‌سازی مجتمع‌های دولتی بزرگ کشت و صنعت، نبود تضمین خرید محصولات و همچنین واردات بی‌رویه‌ی محصولات کشاورزی و زیان‌هایی که از این رهگذر به آن‌ها وارد شد، دست به تجمعات اعتراضی زده بودند. همچنین در اعتراضات هفت‌تپه یکی از مهم‌ترین گروه‌های کارگری این مجموعه که در اعتصابات حضور فعال داشتند، کارگران کشاورز این مجموعه بودند که در قسمت تامین مواد اولیه‌ی کارخانه و در مزارع نیشکر فعالیت می‌کردند.

البته نابسامانی در حوزه‌ی کشاورزی نیز به بحران در بخش‌های معترض داخل مجموعه محدود نبود. کشاورزان اطراف دریاچه ارومیه، سال‌هاست به دلیل خشک شدن این دریاچه، مجبور شده‌اند کشاورزی را کنار بگذارند و به عنوان کارگران ارزان در حوزه‌های صنعت و همچنین ساختمان مشغول به کار شوند.

ممنوعیت کاشت محصولات کشاورزی که آب مصرفی زیادی دارند، در سال‌های اخیر موجب ورشکستگی کسب و کارهای کشاورزی بسیاری در مناطق مختلف کشور شده است که به طور سنتی اقدام به کشت و تولید صیفی‌جات می‌کردند.

و تمام این مفروضات در شرایط عادی است! یعنی شرایطی که سیل موجب نابودی محصولات کشاورزی در وهله‌ی نخست و نابودی چند ساله‌ی امکان کشت در چند سال آینده نشود، تگرگ تابستانی موجب از بین رفتن محصولات کشاورزی نشود، سموم کارخانجات و همچنین شیرآبه‌های دفن زباله، محصولات کشاورزی و زمین‌های کشاورزان را نابود نکند، و همچنین سرمای غافلگیرکننده در روزهای ابتدایی فصل بهار، ماحصل زحمت کشاورزان را به یخ بدل نکند!

اگر تمام این شرایط فراهم شود، و توازن بازار در میان صادرات و واردات منطقی باشد، کشاورز خواهد توانست محصول خود را بفروشد! محصولی که سود اصلی فروش آن به جیب دلالان و فروشندگان می‌رود و بخش بسیار کوچکی از سود آن نصیب کشاورزان می‌شود.

با تمام این تفاسیل، پرسش‌های اساسی در مورد کشاورزی در ایران سال‌هاست بی‌جواب مانده است و هیچ نهاد مستقلی اجازه و امکان پاسخ به این پرسش‌ها را نیافته است. ما سال‌هاست نمی‌دانیم چند درصد از کشاورزی ایران دولتی است و چند درصد آن خصوصی؟ هر چند در بخش دولتی هم از جزییات بی‌خبر هستیم. به عنوان مثال سال گذشته بیت رهبری چهارصد هکتار زمین کشاورزی را به کشاورزان منطقه‌ی کامیاران کردستان هدیه کرد! تازه آن موقع بود که فهمیدیم بخشی از زمین‌های



کشاورزی هم در تصاحب این نهاد فرادولتی است. همچنین در بخش خصوصی هیچ آماری از اینکه صاحبان چند درصد زمین‌های کشاورزی و تولیدات کشاورزی زمین‌داران بزرگ هستند و چند درصد زمین‌ها در تملک خود کشاورزان می‌باشد در دست نیست. نبود چنین آمارهایی موجب می‌شود مردم شناخت دقیقی از وضعیت اقتصاد کشاورزی که در پیوند مستقیم با زندگی، معیشت و غذای‌شان است نداشته باشند. علاوه بر این تعداد شاغلین فصلی و دائم در این حوزه نیز شفاف نیست. هر چند که می‌دانیم بخش عمده‌ی کارگران کشاورزی، کارگر فصلی هستند و از زنان شالیکار در شمال کشور تا کودکان میوه‌چین در بخش‌های مختلف کشور، در میان این کارگران فصلی با کمترین دستمزد و بدون حمایت‌های حقوقی کار می‌کنند، اما هیچ آمار دقیقی از وضعیت این کارگران و فشارهای وارد بر آنها نیز در دسترس نیست.

خشکسالی، یا به عبارت دقیق‌تر، عدم مدیریت منابع آب توسط دولت در سال‌های اخیر موجب شده است، بحران‌های توضیح داده شده تشدید شوند و تعداد زیادی از کارگران کشاورزی مجبور به ترک دیار و کوچ به شهرها شوند تا در شهرهای بزرگ به کارگران ارزان روزمزد بدل شوند.

محمد سواری رئیس انجمن برنج استان خوزستان با اشاره به وضعیت پیش آمده برای مناطق سیل زده عنوان کرده است «بعد از خسارت‌های سیل ۹۸، به کشاورزان استان خوزستان و از بین رفتن محصولات کشت زمستانه آنها، در بهار سال جاری که امکان برداشت را از آنها گرفته بود، دستور منع و محدودیت کشت تابستانه از سوی استاندار خوزستان صادر شد و برای همین مردم و جوانان شهرهای مختلف استان با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری نسبت به کشت محصولات کشاورزی مختلف از جمله برنج اقدام کردند.»

کشاورزان خوزستانی پیشتر و به دلیل این ممنوعیت‌ها بارها تجمعاتی در مقابل نهادهای حکومتی داشته‌اند. تجمعاتی که نهایتاً یا با سرکوب و یا با بی‌توجهی مواجه شده‌اند. اما درد این کشاورزان درد عمومی کشاورزان ایران است.



در زمان بروز بلایای طبیعی، همچون سیل و طغیان رودها و یا تگرگ، دولت عملاً در موضع موظف و مسئول قرار نمی‌گیرد. باید توجه داشت که هم تبدیل شدن باران‌های شدید به سیل قابل پیشگیری است و پیشگیری از آن و ساختن زیرساخت‌های مناسب وظیفه‌ی دولت و هم جلوگیری از آسیب تگرگ به زمین‌های کشاورزی، ممکن و وظیفه‌ی دولت است.

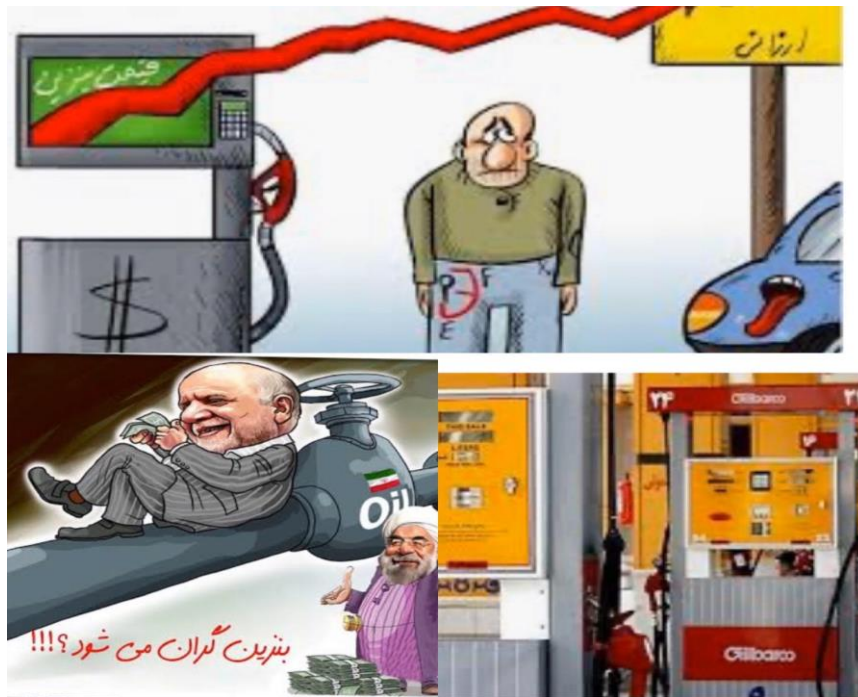
اما دولت نه تنها از زیر بار مسئولیت اش برای پیشگیری از فاجعه شانه خالی می‌کند، بلکه در شرایط پس از فاجعه نیز حاضر به جبران خسارت نیست و کشاورز بی‌گناه مجبور می‌شود تاوان ندانم کاری مسئولین را بدهد.

ایجاد یک تشکل یا سندیکای مستقل در حوزه‌ی کشاورزی، که اولاً وضعیت اقتصاد کشاورزی در کشور را روشن کند، دوماً در مورد شرایط کارگران این حوزه‌ی عظیم و با اهمیت چاره‌اندیشی کند و سوماً مقاومتی متحدانه علیه کژکارکردی‌های دولت در حوزه‌ی کشاورزی به وجود بیاورد، یک فوریت است. چرا که علاوه بر معیشت چندین هزار خانوار، مساله‌ی غذای تمام مردم نیز به به این حوزه‌ی حساس وابسته است.

مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را تشدید کنیم!

بنزین را ۲۰۰ درصد گران کردید، دستمزدها را هم زیاد کنید!

صادق



سر انجام شایعاتی که در چند ماه اخیر در مورد تصمیم دولت به افزایش قیمت سوخت نقل محافل و مجالس بود و گاهی هم از طرف بعضی مسئولین دولتی تکذیب می شد، درست از کار درآمد و در عصر پنج شنبه ۲۳ آبان خبر افزایش بنزین در یک اطلاعیه چند خطی تأیید شد.

گرچه افزایش قیمت بنزین تقریباً محرز بود و شرایط ذهنی برای پذیرش آن از مدتی پیش در رسانه های مجازی جریان داشت ولی کمتر کسی فکر می کرد که قیمت هر لیتر بنزین آزاد با ۲۰۰ درصد جهش ناگهانی از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان برسد و قیمت بنزین سهمیه ای نیز با ۵۰ درصد افزایش ۱۵۰۰ تومان بشود!

یک چنین افزایشی آنهم در شرایطی که مردم با مشکلات مالی عیدیه دست بگیران هستند و دستمزدهای مزد و حقوق بگیران ثابت مانده نام دیگری جز یک شوک بزرگ نمی توان بر آن نهاد. سخنان شب گذشته روحانی در مورد وضعیت درآمدها ظن افزایش قیمتها و مالیات ها را البته ایجاد کرده بود، ولی کسی فکر نمیکرد بطور ناگهانی قیمت بنزین که به گفته کارشناسان تأثیر بسیار زیادی روی قیمتهای ماحیتاج عمومی، تولید، تورم، گرانی، کرایه حمل و نقل و غیره دارد این همه گران شود. همه مردم بی شک از این افزایش متضرر می شوند. اما از همه بیشتر مزد و حقوق بگیران و واحدهای تولیدی آسیب خواهند دید و تعدادی از آنها به احتمال زیاد آنرا تاب نخواهند آورد. عده زیاد دیگری بیکار خواهند شد و مردم بسیاری ته مانده قدرت خریدشان را از دست خواهند داد.

تعدادی از کارشناسان اقتصادی که گویا از گران شدن بنزین و سوخت خبر داشتند نسبت به پیامدهای منفی آن هشدار داده بودند و از دولت خواسته بودند که از این کار پرهیز کند. احتمالاً خود آنها هم نمی دانستند که قیمت به یک باره ۲۰۰ درصد افزایش خواهد یافت. تنها امتیازی که این گرانی ممکن است داشته باشد و روی آن هم بسیار تبلیغ می شود، کاهش مصرف سوخت و آلودگی هواست. این تأثیر مثبت نیز به دلیل کمبود وسایل نقلیه عمومی بویژه در شهرهای متوسط و کوچک که وسیله نقلیه عده زیادی از مردم خودرو شخصی است بعید است دیری بپاید. مضاعف اینکه آلودگی هوا را از طرق دیگری مانند استاندارد کردن خودروها و بستن مالیات به خودروهایی که مصرف سوخت بالا دارند، یا افزایش وسایل نقلیه عمومی و توسعه شبکه مترو می شود کاهش داد و اگر دغدغه دولت محیط زیست بود باید خیلی کارها را از سالها پیش می کرد که نکرده است!



همچنین گفته می شود بنزین ارزان یارانه فقرا به ثروتمندان است و افزایش بهای بنزین این یارانه را از آنها می گیرد. این البته مورد مناقشه نیست، ولی واقعیت آن است که در هر صورت ثروتمندان جور دیگری آن را جبران می کنند و از مردم پس می گیرند، ولی مردم عادی در موقعیتی نیستند که بتوانند مانند ثروتمندان این گرانی های سرسام آور را تاب بیاوند و یا جبران کنند.

اگر نظم و حساب و کتابی در کار بود و بین قیمتها و درآمدها تناسب برقرار بود، افزایش قیمت بنزین (البته نه ۲۰۰ درصد) و دیگر کالاها با مخالفت های کمتری مواجه می شد و می توانست بخاطر محیط زیست تحمل شود، ولی در شرایطی که دستمزدها زیر خط فقر قرار دارند و تورم و گرانی توش و توان مردم را گرفته است و دولت حاضر به افزایش دستمزدها متناسب با هزینه های واقعی زندگی نیست، چنین افزایشی غیر قابل تحمل خواهد شد و واکنشهای زیادی را به دنبال خواهد داشت و ای چه بسا به شورشهای شهری منجر شود. حکومت بجای کشاندن کشور به افلاس اقتصادی و انداختن بار مالی سیاستهای پرهزینه و ماجراجویانه اش و حیف و میل درآمدهای کشور در امور ناصواب، یا بفکر رفع علل واقعی افلاس اقتصادی باشد و یا اگر نمی تواند دست از سر مردم و کشور بردارد و کنار برود، تا مردم خودشان کشور را اداره کنند و از این وضعیت فلاکت بار رها سازند.

بنزین را ۲۰۰ درصد گران کردید، دستمزدها را نیز به همین نسبت زیاد کنید!



فعالین محیط زیست را آزاد کنید!



گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (1)" - بخش یازدهم

فهم نقشه راه - تقویت دموکراسی در ساختار درونی اتحادیه

نامارا گأسی

ترجمه گودرز



انتشار نقشه راه و

سرعت بخشیدن به تغییر از طریق جنبش های چندمقطعی و ائتلاف های راهبردی

توانمندی و سازماندهی زنان کارگر در مشاغل غیر رسمی

با نسبتی بیشتر از معمول، زنان در کارهای غیررسمی (کار در بخش خدماتی رستوران، هتل، کشاورزی و سایر کارهای کم دستمزد خانگی) [اشتغال دارند]، و توانمندسازی این زنان کارگر نه تنها ضروری که اساساً در پیشبرد جنبش اتحادیه ای برای رسیدن به برابری جنسیتی و کار عادلانه غیرقابل اغماض است.

نمونه های بیشماری از سازماندهی اتحادیه ای زنان در مشاغل غیررسمی دیده می شود که به موفقیت هم رسیده است، به ویژه در بازار اقتصادی جهانی جنوب که در آن کار غیررسمی بیشتر معمول است و به نرم تبدیل شده است. در جمهوری دموکراتیک کنگو به طور مثال کنفدراسیون اتحادیه های صنفی کنگو CSC مشغول سازماندهی زنان در بازار بوده و به آنها انواع امکانات برای سرمایه گذاری خرد و تعاونیهای بیمه، بهداشت و درمان عرضه می کند. در کنیا سازمان مرکزی اتحادیه های صنفی کنیا COTU-K دائماً در افزایش مداخله در بازار کار غیررسمی و مشغولیت با کارگران این قشر و نمایندگی خواسته های آنان از طریق گفت‌وگوهای اجتماعی درگیر بوده است. به طور مثال کارگران در قشر غیررسمی بازار اکنون می توانند به صندوق ملی بیمه بیمارستانی با پرداخت مبلغ 5 دلار آمریکایی بپیوندند.

COYU-K همچنین توانست به توافقی برای افزایش 18% در حداقل دستمزد ها در سال 2017 دست یابد. با این توافق اطمینان حاصل شد که بیشتر کارگران غیررسمی کنیا در بالای سطح فقر در آمار متوسط بین المللی قرار دارند. متوسط درآمد کارگران در شهرهای پرجمعیت کنیا مانند نایروبی، مومباسا و کیسومو حداقل 130 دلار آمریکا در ماه است، در حالی که این نرخ در گذشته حدوداً 30 دلار در ماه بوده است.

اگر از کارکنان خدماتی و محلی صحبت کنیم، فدراسیون بین المللی کارکنان خدماتی IDWF در مأموریت خویش سعی فراوان کرده است که از حقوق کارکنان خدمات محلی و خانواده ای دفاع کرده و آن را پیش ببرد. این فدراسیون از زمانی که در سال 2013 از شکل شبکه به صورت یک فدراسیون درآمد، از 67 اتحادیه که بیش از 600 هزار نفر کارگر را در 54 کشور نمایندگی می



کنند، تبدیل شده است. بیشتر این کارگران در اتحادیه ها متشکل شده اند، اگرچه برخی نیز وسیله سازمانها، تعاونی ها و شبکه های دیگر تخصصی و صنفی نمایندگی می شوند.

از موفقیت های این فدراسیون می توان از اشتغال به فعالیتهایی مانند قانون جدید ۲۰۱۷ که به کارگران خدمات داخلی و خانگی در قطر، نخستین دستیابی به حقوق کارگری را ارائه کرد، و پذیرش و تصویب عهدنامه ۱۸۹ سازمان جهانی کارگران ILO در باره کار مناسب برای کارگران خدمات محلی در پرو به عنوان ۲۶مین کشور جهان نام برد. IDWF دومین کنگره خود را در نوامبر ۲۰۱۸ در کیپ تاون افریقای جنوبی برگزار کرد. شعار اصلی کنگره "متحد و توانمند-برابری حقوق، احترام و عدالت برای کارگران خدمات داخلی و خانگی" بود.

به روایت میرتل ویتبوی دبیر کلفدراسیون که با ما سخن می گفت: "در سال ۲۰۱۳ وقتی که C189 به اجرا گذاشته شد، کلید پیشبرد حقوق کارگران خانگی محلی در محیط آموزشی و احساسی وابسته آن بود که "توجه کنید، اگر شما به خیابان بروید و از یک کارگر خدمات خانگی بپرسید "عهدنامه ۱۸۹ چیست؟"، او به شما نگاه خواهد کرد و فرض می کند شما دیوانه شده اید. اما اگر بپرسید چه چیز زندگی تو را بهتر خواهد کرد؟ او خواهد گفت: "ساعات کار مناسب و دستمزد مناسب و کافی" و بعد خواهد فهمید که عهدنامه ۱۸۹ در بیان و بر روی کاغذ هیچ نفعی ندارد. ما به اجرای واقعی آن نیاز داریم!"

* (۱) گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-

https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf



مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان دهیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



تجمع بازنشستگان در ۱۹ آبان، گسترش دامنه اعتصاب کارگران هفت تپه به بازار شهر شوش، ادامه اعتراضات در شرکت‌های پیمانکار صنعت نفت، اعتراض کارگران کارگران فولادین ذوب آمل نسبت به نداشتن امنیت شغلی، انتشار گزارش قربانیان حوادث کار، مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده هفته بودند.

قرق نظامی برای برهم زدن تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس

تجمع بازنشستگان سراسر کشور در ۱۹ آبان که به دعوت ده‌ها تشکل مستقل بازنشستگان برای اعتراض به عدم اختصاص بودجه برای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان و پاره‌ای مطالبات دیگر مانند بیمه کارآمد، در حال برگزاری در مقابل مجلس برنامه ریزی شده بود. با یورش ماموران امنیتی که برای برهم زدن آن گسیل شده بودند روبرو شد. در این یورش وحشیانه به این تجمع مسالمت آمیز شماری از بازنشستگان و مسئولین تشکلهای آنها بازداشت شدند و ماموران سرکوبگر مانع ادامه تجمع در محل از پیش تعیین شده شدند. با این همه اما بازنشستگان مرعوب نشدند و با تقسیم شدن در گروه‌های کوچکتر تظاهراتشان را ادامه و با سر دادن شعار و طرح مطالبات شان را به گوش مردم و مسئولین دولتی و مجلس نشینان رساندند. تظاهر کنندگان در عین حال بر پیگیری مطالبات شان تاکید و همچنین خواستار آزادی کارگران و معلمان زندانی شدند. بدین ترتیب ماموران امنیتی گرچه مانع ادامه برگزاری تجمع به صورت یک پارچه در محل تعیین شده شدند، ولی نتوانستند مانع رفتن پیام روشن این تجمع به میان جامعه شوند. نکته قابل تامل در این میان شرکت بازنشستگان عضو صندوق‌های بازنشستگی و همکاری تشکلهای مستقل آنها در یک فعالیت صنفی سراسری بود. تشکلهای که از دل شرایط و مبارزات بازنشستگان بوجود آمده‌اند و بر خلاف تشکل‌های فرمایشی رسمی از قدرت سازمانگری و تأثیر گذاری بالایی برخوردارند. و این عامل به بازنشستگان کمک می کند تا به خواسته هایشان آسانتر و کم هزینه تر برسند. تشکل‌های فرمایشی رسمی تحت سلطه دار و دسته حسن صادقی و خانه کارگر که سالهاست فعالیت می کنند ولی هیچ گره‌ای از مشکلات بازنشستگان باز نکرده‌اند، بواسطه وابستگی شان به قدرت در سازماندهی این تجمع نقشی نداشتند.

هئیت سیاسی اجرای حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در اعلامیه‌ای که در ارتباط با این تجمع و یورش ماموران سرکوب به آن منتشر کرد، از مطالبات بازنشستگان حمایت، یورش ماموران سرکوب به تجمع آنها و بازداشت تعدادی از شرکت کنندگان در تجمع ۱۹ آبان را محکوم، و خواستار آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان و حمایت نهادهای مدنی و سیاسی از مطالبات و حق تجمع آنها شد.

کشیده شدن دامنه اعتصاب کارگران هفت تپه به بازار شهر

اعتصاب دامنه دار کارگران هفت تپه که از هفته پیش در اعتراض به خلف وعده کارفرما و مسئولین دولتی برای جواب دادن به مطالبات کارگران از سر گرفته شد در چهارشنبه این هفته به محل بازار شهر کشیده شد. یکی از کارگران علت آمدن کارگران به محوطه بازار شهر را توجه مسئولین به مشکل کارگران اعلام کرد و گفت: "بعد از گذشت چندین روز اعتراض صنفی برای وصول مطالبات مزدی، وقتی با بی‌توجهی به پرداخت مطالباتمان روبرو شدیم، ناچار اعتراض‌ها را به خارج از شرکت در محوطه بازار هفت تپه انتقال دادیم تا شاید صدایمان به گوش مسئولان برسد". و یکی دیگر از کارگران اعتصابی به خبرنگار "ایلنا" گفت "در صورتی که به درخواست‌های به حق ما پاسخ مثبت داده نشود، اعتراضات ادامه خواهد داشت". مسئولین دولتی که با سرکوب و



زندان موفق نشده‌اند به اعتصابات پیایی و حق طلبانه کارگران خاتمه دهند و سرکوب کارگران با انزجار عمومی روبرو شده است، می‌کوشند با بی تفاوتی نشان دادن خود نسبت به اعتصاب کارگران را از پیگیری خواسته هایشان باز دارند و آنها را از دامه اعتصاب شان مایوس کنند. افزون بر آن یک نوع سانسور خبری جهت منزوی کردن اعتصابات جدیدا اعمال می‌شود تا از بازتاب آنها و واکنش‌هایی که انتشار خبرشان ایجاد می‌کنند جلوگیری کنند. هم از این رو بسیار اهمیت دارد که رسانه‌های اجتماعی با بازتاب وسیع اخبار اعتراضات این سانسور حساب شده و اثرات آن را خنثی نمایند.

اعتراض کارگری در فاز ۲ پالایشگاه آبادان و حفاری شمال

اعتراضات در شرکت‌های پیمانکار در صنعت نفت که در چند هفته اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده است در این هفته نیز در دو شرکت، فاز ۲ پالایشگاه آبادان و شرکت حفاری شمال ادامه یافت. یکی مطالبات کارگران این دو شرکت پرداخت منظم دستمزدهاست که بیش از دو ماه است که پرداخت نشده است. این اعتراضات حاکی از گسترش دامنه دستمزدهای معوقه به صنعت نفت است. یکی دیگر از اعتراضات کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان بیکاری و عدم استخدام پرسنل از میان مردم بومی است که حکایت از گستردگی بیکاری در منطقه دارد. منطقه‌ای که بیشتر درآمدهای کشور را به خود اختصاص داده، ولی مردم آن حتا از داشتن کار محروم هستند.

اعتراض کارگران فولادین ذوب آمل

عدم تمدید قرارداد صدها تن از کارگران فولادین ذوب آمل، در هفته‌های اخیر که به بهانه کمبود مواد اولیه و مشتری صورت گرفته موجب اعتراض کارگران این واحد بزرگ صنعتی که ۱۶۰۰ کارگر در آن مشغول کار هستند در هفته‌های اخیر شده است. گفته می‌شود شمار کارگرانی که قراردادهایشان تمدید نشده است بالغ بر ۱۳۰۰ نفر است. انطور که خبرگزاری ایلنا نوشته است، همه ۱۶۰۰ کارگر کارخانه نگران امنیت شغل شان هستند: "کارگران فولادین ذوب آمل (فذا) در تماس با خبرنگار ایلنا، خواستار رسیدگی به وضعیت ۱۶۰۰ کارگر این کارخانه شدند که به دلیل آنچه از سوی کارفرما عدم تامین مواد اولیه و کاهش حجم سفارشات اعلام شده، در وضعیت نامعلوم شغلی به سر می‌برند".

گفته می‌شود که دستمزد کارگران نیز از مهر ماه به این سو پرداخت نشده است. اخراج یک طرفه ۱۳۰۰ کارگر در واقع از پیامدهای رواج قراردادهای موقت کار است که امنیت شغلی کارگران را بصورت یک طرفه در اختیار کارفرما قرار داده و کارفرماها از آن انواع سوءاستفاده‌ها را علیه کارگر اعمال می‌کنند و این قرار دادهای در عمل حکم طوق بندگی بر گردن کارگران را دارد. گفتنی است که ۹۵ درصد کارگران با قرارداد موقت کار می‌کنند و شمار کارگران دارای قراردادهای موقت در زمان روحانی ۳۵ درصد افزایش پیدا کرده است. در هیچ کدام از کشورهای منطقه این همه قرارداد موقت معمول نیست و دستمزدهای کارگران به اندازه ایران اندک نیست و فاصله میان هزینه‌های زندگی و دستمزدها به اندازه ایران عمیق نیست. در حالی که دستمزد کارگران در ایران به گفته یکی از کارشناسان اقتصادی طی ۱۰ سال از ۴۰۰ دلار ماهانه به ۱۵۰ دلار سقوط نموده، دستمزد در عراق ۵۰۰ دلار و در ترکیه ۸۰۰ دلار است. در کشورهای حوزه خلیج فارس این رقم بسیار بیشتر است. با این همه دولت روحانی به رغم افزایش هزینه‌ها حاضر به افزایش دستمزدها نیست.

افزایش ۷/۴ درصدی مرگ و میر ناشی از حوادث کار در کشور

بنا به گزارشی که خبرگزاری "ایلنا" به نقل از گزارش "روابط عمومی پزشکی قانونی" در چهارشنبه این هفته منتشر کرد، شمار کسانی که در اثر حوادث شغلی کشته شده‌اند، در ۶ ماهه اول ۱۳۹۸ در مقایسه با سال گذشته یک جهش ۷/۴ درصدی داشته است. گفتنی است که ما چند هفته پیش در "جنگ کارگری" قبل از انتشار این گزارش نسبت به افزایش شمار قربانیان حوادث شغلی و عوامل افزایش آن نوشته بودیم. متأسفانه انتشار این آمار نشان داد که ارزیابی ما که بر اساس اطلاعات گردآوری شده تهیه شده بود درست بوده است. با این وجود و به رغم این آمار هشدار دهنده و نگرانی آور تصور نمی‌کنیم دولتمردان و کارفرمایان که بخاطر سود بیشتر از قربانی کردن کارگران هم بیمی به خود راه نمی‌دهند و عوامل این کشتارها هستند اقدام موثری برای متوقف کردن این روند انجام دهند. یکی از دلایل رشد روزافزون این کشتار بی شک جلوگیری از فعالیت سندیکاها و کارگری و تعلیق عملی قوانین کار است که وجودشان می‌تواند این روند را نیز متوقف و دگرگون نماید.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

فعالین کارگری و مدنی را آزاد کنید!